پرونده ۲۴

بررسی اتفاقات بیست‌وچهارمین دوره لیگ برتر در حضور سیدمهدی سیدصالحی

Mehdi SeyedSalehi

در فصلی که سایهان به‌زور سه‌میه گرفت، پرسپولیس هیچ افتخاری به‌دست نیاورد و حتی پشت در آسیا ماند. استقلال هم برای اولین‌بار لیگ را با تفاضل منفی به پایان رساند و تراکتور داخل فوتبال ایران آقایی کرد. این بی‌گمان یک فصل رؤیایی برای باشگاه تراکتور بود؛ نوعی از قهرمانی مقتدرانه که شاید به سال‌ها تحمل انتظار و بردباری می‌ارزید. تیم خوب و متوازن دراگان اسکوچیچ که از هفته اول مدعی کسب عنوان قهرمانی نشان می‌داد، تا ایستگاه پایانی هم همین استاندارد را حفظ کرد و جام را با شکوه هرچه تمام‌تر به تبریز برد. تیم دراگان لیگ بیست‌وچهارم را با ۶۸امتیاز از ۳۰بازی به پایان برد که آمار بسیار درخشانی است و بهترین قهرمانی در تاریخ لیگ بر تربه‌حساب می‌آید. جدا از این تراکتوری‌ها جوایز فردی را هم یکی پس از دیگری درو کردند تا شایستگی این تیم برای قهرمانی بیشتر به چشم بیاید. علی بیرو با ۱۶کلین‌شیت دستکش طلایی لیگ را به خانه برد، حسین‌زاده با ۱۴گل صاحب کفش طلا شد و ترابی هم با ۹ پاس گل، در صدر جدول گلزنان ایستاد تا کلکسیون افتخارات تیم تبریزی کامل شود. پایان لیگ بهانه‌ای شد که در حق سیدمهدی سیدصالحی عملکرد ۳تیم تراکتور، سایهان، پرسپولیس و استقلال را زیر ذره‌بین ببریم؛ ۴تیمی که سید در آنها بازی کرده است.

عکس: امیرحسنی

با اسکن این کیوآرکد فیلم کامل این گفت‌وگو را تماشا کنید.

مسیر پیدا شد

من یک فصل خوب در تراکتور داشتم؛ آن دوره تراکتور را بخش دولتی اداره می‌کرد ولی بعدا به بخش خصوصی واگذار شد. در این مدت آقای رنوزی هزینه خیلی زیادی برای تیم کرده اما مسئله این است که سال‌های گذشته آنها مسیر را اشتباه رفتند و مشاوران بدی داشتند؛ تیم پول زیادی داشت اما در مدیریت، سرمربی، بازیکن و خیلی مسائل دیگر ثبات نداشت و بدون برنامه بود. شاید بهتر بود از همان ابتدا باشگاه نگاه بلندمدتی داشت و کم‌کم هزینه می‌کرد. اما این فصل تراکتور هم در مدیریت ثبات داشت، هم در بحث سرمربی و بازیکن، این مسئله کمک کرد تا تیم مسیرش را پیدا کند.

شناخت اسکوچیچ

امسال نخستین فصلی بود که تراکتور در طول فصل سرمربی عوض نکرد. البته کار خدا بود که تراکتور با اسکوچیچ قهرمان شود، به هر حال او در فوتبال ایران با اینکه تیم ملی را به جام‌جهانی برد، با ناملایمتی‌هایی روبه‌رو شد. ما بدبدرفته شدیم ولی او باز هم برگشت. مربیان خارجی وقتی وارد فوتبال ایران می‌شوند، شناختی از بازیکنان ندارند اما اسکوچیچ فوتبال ما را خیلی خوب می‌شناخت و از نفراتی هم که برای تراکتور انتخاب کرد (علیرضا بیرانوند، مهدی ترابی، شجاع خلیل‌زاده) به اندازه کافی شناخت داشت. از همه مهم‌تر اینکه بازیکنان خارجی هم که اسکوچیچ آورد، همه خوب بودند. اگر در دروزک از اول فصل در لیگ بود با اختلاف آقای گل می‌شد، او در ۱۳ بازی ۸گل زد که همه گل‌هایش هم حساب بود. نکته قابل توجه این است که اسکوچیچ این خارجی‌ها را با پول‌های کم آورد و همه آنها به درد تیمش خوردند و کار را برایش درآوردند. در حالی که سال‌های قبل تراکتور پول‌های زیادی به خارجی‌ها می‌داد که ثمره‌ای هم نداشتند. درست است امیرحسین حسین‌زاده آقای گل لیگ شد و مهدی ترابی آقای پاس گل، ولی نمی‌شود کار خوب پوستوسکی، اشترکالی، دروزک و آلوز را نادیده گرفت. در فوتبال روز دنیا وین‌بک‌ها و فول‌بک‌ها حرف اول را می‌زنند. پارسال در نیم‌فصل اول وین‌بک- فول‌بک پرسپولیس علی نعمتی بود؛ بازیکنی که پست تخصصی‌اش دفاع وسط است، کارایی لازم را در پستی که بازی می‌کرد نداشت. اما در نیم‌فصل دوم که اوسمار سرمربی شد و اورونوف و عبدالکریم حسن را به تیم اضافه کرد لاین کناری را عبدالکریم حسن و دنیال اسماعیل فر گرفتند و کاری را که در تراکتور امسال انجام شد، فصل قبل در تیم اوسمار دیدیم. این فصل در چپ و راست تراکتور محمد نادری و اسماعیلی‌فر بودند، در کنار آنها هم ترابی، حسین‌زاده، آلوز، پوستوسکی و هاشم‌پناه هم سالنی‌وار و نزدیک به هم بازی کردند و همراه نادری و اسماعیل‌فر کارهای ترکیبی زیبایی انجام دادند.

خداداد سیبل شد

برگ برنده تراکتور را رنوزی، اسکوچیچ، ترابی، حسین‌زاده، خلیل‌زاده یا بیرانوند؟ همه این نفرات نقش مهمی در قهرمانی تیم داشتند. مثلا رنوزی با وجود اتفاقاتی که افتاد و هواداران نماها علیه‌اش موضع گرفتند، دلسرد نشد و از تیم حمایت کرد. مدیریت آقای مظفری راه هم تأثیرگذار بود. یکی از کارهای بسیار خوبی که آقای رنوزی انجام داد، آوردن خداداد عزیزی بود. خداداد خودش را سیبل تیم، هوادار و مدیریت کرد، حرفی را که در مدیریت، بازیکن و هوادار بود زد؛ جنگید، خیلی حرف شنید و جلوی حواشی را گرفت. خودش وارد حاشیه شد ولی اجازه نداد بازیکنان وارد حاشیه شوند. او نه بچه تبریز بود و نه برای تراکتور بازی کرده بود، ولی عاشقانه عرقش را به پیراهن تیم و غیرتش را به بازیکنان امروز فوتبال نشان داد. بعضی‌ها به طعنه می‌گویند تراکتور دادزن استخدام کرد اما اینکه حق تیمت را با صدای بلند بگیری، ایراد دارد؟! اگر حق تیم تراکتور خورده می‌شد و خداداد چیزی نمی‌گفت، هوادار نمی‌گفت خداداد فقط اسمش را گذاشته تا پولش را بگیرد؟! امروز فضای مجازی جای تعصب در فوتبال را گرفته. نسل ما نسل تعصب بود. بازیکن به عشق تیمش با پای مصدوم بازی می‌کرد اما الان پول جای تعصب را گرفته. خداداد از نسل گذشته است و در وجودش تعصب است. او کار درست یک مدیر را انجام می‌داد. بازیکن می‌دانست که خداداد جام‌جهانی و آسیایی دیده مرد ۶۰ سال آسیا شده و... پس او نمی‌تواند برای خداداد تصمیم بگیرد و این خداداد است که به‌عنوان مدیر برای او تصمیم می‌گیرد. خداداد نه دوست من است و نه پولی به من داده، اما باید بگویم همیشه همین است؛ خداداد عزیزی است، پشت و جلوی دوربین یکی است و خاکی‌وار صحبت می‌کند. من همه کارها و حرف‌های خداداد و ادبیاتی را که استفاده می‌کند تأیید نمی‌کنم، ولی کار خداداد به‌عنوان مدیر تیم را تأیید می‌کنم. خداداد هم کاری را انجام داد که افشین پیروانی برای پرسپولیس می‌کند. تیم‌های دیگر هم باید از این آدم‌ها استفاده کنند.

پیروانی به‌عنوان مدیر تیم چه کاری انجام می‌دهد؟ می‌گویند در فوتبال دنیا این پست وجود ندارد، خب، آنها مدیر ورزشی دارند و در فوتبال ما هم باید این آدم‌ها باشند تا حق تیم خورده نشود. آنها نباشند که کسی نیست از حق تیم دفاع کند. حق تیم را می‌خورند و فقط عذرخواهی می‌کنند. عذرخواهی به چه دردی می‌خورد. مدیر تیم صدای هوادار است. افشین پیروانی، کریم باقری صدای هواداران پرسپولیس هستند. اگر کریم داخل تیم اجازه نمی‌دهد بازیکن پایش را از گلیمش دراز کند، بازیکن نمی‌تواند حرفی به او بزند، چون می‌داند قبل از تولد او اگر کریم بازیکن بوده.

تأنیرگذاری علی بیرو

من در جریان پرونده علیرضا بیرانوند نبوده‌ام و نمی‌توانم درباره آن اظهارنظر کنم و کسانی که در کمیته انضباطی و استیناف هستند، باید پاسخگو باشند. خیلی از اتفاقات در فوتبال ما می‌افتد و کسی هم پاسخگو نیست. نمونه‌اش اتفاقاتی است که این فصل هزاران‌بار در استقلال افتاد. با این حال می‌توانم بگویم در قهرمانی تراکتور تأثیرگذاری بازیکنانی مثل خلیل‌زاده، حسین‌زاده و ترابی خیلی بیشتر از بیرانوند بود. بیرانوند تأثیرگذار بود و با اینکه در آسیا و لیگ‌های بدی خورد، ولی یک بازی‌هایی را هم در آورد اما در کل تأثیرات خط دفاعی، هافبک‌ها و خط حمله در قهرمانی خیلی بیشتر از بیرانوند بود.

صبر برای محرم

تا قبل از دهه ۸۰ فوتبال ایران دوقطبی پرسپولیس و استقلال بود تا اینکه تابو شکست و سایهان به‌عنوان قدرت جدید به فوتبال اضافه شد. فصل اول که قهرمان شدیم، فرهاد کاظمی حس اعتمادبه‌نفس و زیاده‌خواهبودن را به تک‌تک بازیکنان منتقل کرد. در آن سال‌ها سایهان به‌معنای واقعی تیم بود؛ ۱۱ بازیکن داشتیم که همه برای هم جان می‌دادیم. علت اصلی موفقیت تیم در آن سال‌ها این بود که هرفصل شاکله اصلی تیم حفظ می‌شد، یک بازیکن می‌آمد، یک بازیکن می‌رفت ولی به شاکله اصلی تیم دست نمی‌خورد. اینطور نبود که ۲ ستاره داشته باشیم و همه اتفاقات روی آنها رقم بخورد. ما تیم یک واحد بودیم و تیمی کار می‌کردیم. من، محمود کریمی که هیچوقت به حقش نرسید، محرم نویدکیا از نخستین فصلی که تیم قهرمان شد، در سایهان بودیم. بعد از آن هم جلال اکبری، هادی عقیلی، محسن بنگر، عمار رضا و بازیکنان بزرگ دیگر به تیم اضافه شدند. ما بازیکنان اسمی نداشتیم ولی در عین جوانی به پختگی لازم رسیده و به قهرمانی عادت کرده بودیم. اما زمانی که عبدالله ویسی سرمربی تیم شد، ۱۶-۱۵ بازیکن از تیم جدا شدند و در کل تیم جدید شد و روزهای خوبی پشت‌سر نگذاشت. بعد از ویسی، آقای قلعه‌نویی سعی کرد تیمش را به تیم برگرداند و حداقل تیمی او در کورس درخشانی است و بهترین قهرمانی در تاریخ لیگ بر تربه‌حساب می‌آید. جدا از این تراکتوری‌ها جوایز فردی را هم یکی پس از دیگری درو کردند تا شایستگی این تیم برای قهرمانی بیشتر به چشم بیاید. علی بیرو با ۱۶کلین‌شیت دستکش طلایی لیگ را به خانه برد، حسین‌زاده با ۱۴گل صاحب کفش طلا شد و ترابی هم با ۹ پاس گل، در صدر جدول گلزنان ایستاد تا کلکسیون افتخارات تیم تبریزی کامل شود. پایان لیگ بهانه‌ای شد که در حق سیدمهدی سیدصالحی عملکرد ۳تیم تراکتور، سایهان، پرسپولیس و استقلال را زیر ذره‌بین ببریم؛ ۴تیمی که سید در آنها بازی کرده است.

موراییس مدل کی‌روش

آقای ساکت، موراییس را به سایهان آورد. مثل دوران حضور کی‌روش در تیم ملی، موراییس بود که برای باشگاه سایهان تصمیم می‌گرفت و این زیبنده باشگاه نبود. در کشورهای اروپایی باشگاه‌ها چارت دارند و مربی هم زیرنظر تفکرات باشگاه کار می‌کند اما در فوتبال ما اینطور نیست. موراییس روزهای اول حرف‌های مصاحبه می‌کرد اما کم‌کم وارد حاشیه شد. او چند بازیکن خارجی آورد که همه نامؤفق بودند. نمونه‌اش عیسی عباس بود که با یک روز تمرین مقابل الهلال به او بازی داد. باشگاه به او اجازه داد به‌تنهایی برای تیم تصمیم بگیرد. او فصل قبل در نیم‌فصل عیسی آل‌کثیر را داد و اعرابی را گرفت. تجربه آسیایی عیسی بیشتر بود یا اعرابی و عیسی عباس؟ تیمی هم که موراییس برای این فصل بست خوب نبود. مسابقات آسیایی بازیکن بزرگ می‌خواهد، اما او لیموچی و محبی را گرفت که سابقه بازی در تیم‌های بزرگ را هم نداشتند. آنها بازیکنان خوبی هستند و در تیم هم تأثیرگذار بودند اما نیم‌فصل دوم بود که اعتماد به نفس پیدا کردند.

دور از مردانگی

در این سال‌ها فولادمبارکه سایهان خیلی از تیم حمایت کرد و موضوعی که این فصل من را خیلی ناراحت کرد، این بود که بازیکنان باتجربه علیه باشگاه مصاحبه کردند و گفتند چرا حقوق‌ها عقب افتاده؛ سالیان سال سروقت پول گرفتی و از مردانگی به دور نیست که در برهه حساس فصل که تیم برای قهرمانی می‌جنگد، از پول حرف بزنی؟ پس این سال‌هایی که باشگاه هزینه کرد و شما قهرمانی نگرفتید چه می‌شود؟

استوک قرمز

چرا سایهان بزرگ تر بالای سرش نیست؟ در این چندساله مدیریت باشگاه آدم‌های عاشقی را که بتوانند به تیم کمک کنند، نخواسته و به‌خاطر همین هم بازیکن عاشق در این تیم نمانده. در بازی سایهان با هوادار پیام نیازمند استوک و دستکش قرمز پوشیده بود. اگر او از اول فصل از این رنگ استفاده می‌کرد، کارش طبیعی بود اما چرا آخر فصل این کار را کرده؟ چرا مدیریت ورود نمی‌کند تا بازیکن بداند کجا بازی می‌کند؟ چرا نمی‌خواهند این تیم نتیجه بگیرد؟ سایهان هزینه می‌کند اما یکی مثل خداداد و پیروانی کم دارد. این فصل که مسئ انتقاد می‌کردم، می‌گفتند سید دنبال پست گرفتن است. پیشکست کسی است که وقتی پست ندارد، از تیمش حمایت کند. وقتی من پست دارم، در قبال کاری که انجام می‌دهم پول می‌گیرم و اگر شفاف نمی‌کنم. من در استقلال و پرسپولیس بازی کردم و اگر می‌خواستم در این ۷-۶سال نمی‌توانستم خودم را به جایی وصل کنم و پستی بگیرم؟ هم شرایط فنی‌اش را داشتم و هم مدیریتش را بلد بودم. من عاشق تیمم بودم و حرمت نان و نمک نگه داشتم؛ چون با سایهان به فوتبال ایران معرفی شدم و از مردانگی به دور بود با تیم دیگری باشم. مدیریت باشگاه ناراحت است که سید به هوادار خط می‌دهد. من سیدصالحی از این نان‌ها برای زن و بچه‌ام نمی‌برم و کسانی را که این حرف‌ها را می‌زنند به خدا واگذار می‌کنم. زانوی من آرتروز شد، چون ۳۰۰دقیقه با مینیسک پاره برای تیمم بازی کردم. من بچه تهران بودم و در سایهان بزرگ شدم و به این تیم تعصب دارم. موقعی که در تیم بودم به بچه‌های اصفهان برمی‌خورد که چرا من بچه‌تهران پرچمداری بچه‌های اصفهان را می‌کنم و دوست نداشتند من آنجا بمانم و به‌خاطر همین بیرونم کردند، برگشتم و دوباره من را بیرون کردند. من را سایهان نمی‌برند چون من خیلی رک هستم و خیلی صاف و شفاف حرف می‌زنم.

تعصب نه، پول

مهم‌ترین چیزی که سایهان در چند سال اخیر نداشته، بازیکن متعصب بوده. زمان ما بازیکنان عاشق پیراهن تیم بودند، اما در این چند سال بعضی از بازیکنان فقط به این دلیل که پول سایهان خوب بود، به این تیم آمدند؛ سر وقت پولشان را گرفتند ولی تعصب تیم دیگری را داشتند؛ بازیکنانی که به راحتی در برنامه‌های تلویزیونی می‌گفتند پرسپولیسی یا استقلالی‌اند، نمونه‌اش رضا شکاری. در این سال‌ها سایهان پول خرج کرد و بازیکن آورد اما دل و فکر این بازیکنان جای دیگری بود، برای تیم‌های دیگر سینه سپر کردند و حتی حاضرشدند به آن تیم‌ها تخفیف بدهند.

بی‌کیفیت‌ها

قهرمانی‌های سال‌های گذشته پرسپولیس چه در زمان برانکو و چه در دوره بحبحی گل‌محمدی و اوسمار، به‌خاطر ثبات مدیریتی و ثبات ترکیبی بود اما این فصل شاکله اصلی تیم از بین رفت. بیرانوند، ترابی و دانیال از تیم رفتند و آنهایی هم که آمدند بازیکنانی نبودند که ثبات را به تیم برگردانند. گاردیو هم نتوانست ترکیب اصلی‌اش را پیدا کند. تیم در کنارها و خط دفاعی ثبات نداشت و همین به پرسپولیس ضربه زد و باعث شد در خلق موفقیت مشکل داشته باشد. تیم برای موفقیت داشتن مجبور شد از فرشاد احمدزاده و محمد خدابنده‌لو استفاده کند که آنها کارایی لازم را نداشتند. بازیکنان خارجی تیم مثل زواولو و عملوه بی‌کیفیت بودند. بازیکن خارجی باید یک سروگردن از بازیکن داخلی بالاتر باشد که آنها نبودند. وقتی گاردیو عملوه را می‌خواست کمیته فنی باید مخالفت می‌کرد. باشگاه باید چارت داشته باشد و حرف مربی خارجی وحی منزل نباشد.

چندگسنگی

سال‌های پیش پرسپولیس در زمین سیدجلال حسینی را داشت که رهبر بزرگی برای تیم بود و او اجازه نمی‌داد یکسری مشکلات ایجاد شود. این فصل مصدومیت‌های زیادی گریبانگیر علیشاه شد و با نبود او چندگسنگی ایجاد شد. کریم باقری هم اول فصل نبود و افشین پیروانی هم بیشتر درگیر مسائل بیرونی تیم بود. با توجه به این اتفاقات، بزرگ‌تری در پرسپولیس کمرنگ شد و ثباتی که چند سال تیم داشت، از دست رفت. با توجه به تغییری که تیم در ترکیب داشت، شکل و سیستم بازی تیم تغییر کرد.

زمان ما ۵-۶سال پدر یک بازیکن درمی‌آمد تا یک پیشنهاد از پرسپولیس، استقلال یا سایهان داشته باشد، ولی الان یک بازیکن با یک گل، بمب نقل‌وانتقالات می‌شود، چرا، چون پول آمده جای غیرت، تعصب و مسائل فنی بازیکن را گرفته و همین می‌شود که بازیکن باکیفیت در لیگ نمی‌بینیم. به آقای قلعه‌نویی می‌گویند چرا تیم ملی پوست‌اندازی نمی‌کند، با کدام بازیکن؟ سردار و طارمی را بیرون بکشد، کسی را دارد که در تیم بگذارد؟ نه.

من با سایهان ۲قهرمانی لیگ، ۳قهرمانی حذفی، ۲تایب‌قهرمانی لیگ و یک تایب‌قهرمانی آسیا دارم. کاپیتان سایهان در جام باشگاه‌های آسیا بودم و آقای گل آسیا شدم. سال ۲۰۰۷ جزو ۶بازیکن برتر آسیا بودم، بدون اینکه یک بازی ملی انجام بدهم. آن سال که آقای گل آسیا شدم، اصلا تیم ملی دعوت نشده بودم. زمانی که به پیکان آمدم به تیم ملی دعوت شدم؛ دوره‌ای که علی‌دایی سرمربی تیم ملی بود.

حرف هوادار

اتفاقاتی را که در استقلال افتاد همه می‌دانند. مسئله اصلی این است که وقتی مدیر ورزشی نداشته باشی و مدیری بگذاری که از ورزش فوتبال اطلاعاتی ندارد، او بیشتر سعی می‌کند به فضای مجازی بپردازد. واقعیت این است که معروفیت خوشمزه است و وقتی در رادیو، تلویزیون و... همه جا بحث از شماست سعی می‌کنی خیلی چیزی بروی که هوادار می‌خواهد. شاید هوادار یک جایی احساسی حرف بزند و یکی جایی هم خواسته‌اش منطقی باشد. مدیریت باشگاه استقلال به جای اتحاد با سرمربی و بازیکن دنبال حرف هوادار رفت. جواد نکونام فصل قبل کار بزرگی کرد و بدون بندسازو امکانات تیم را به نایب‌قهرمانی رساند. اما این فصل فرصت لازم به او داده نشد. تیم جواد فصل قبل تدافعی بازی می‌کرد و ابزارش را هم داشت اما قرار بود امسال تیم با رامین رضاییان و میلاد زکی‌پور تهاجمی شود. به هر حال آن اتفاقات افتاد و الان مجتبی جباری می‌خواهد از اعتبار استقلال و خودش دفاع کند ولی نمی‌تواند کسی را قانع کند. مدیریت هم نتارتا و هم مازیار زاغ تیم‌های خوبی دارند و هر دو در جدول لیگ بالاتر از استقلال هستند. تیم تارتا بهترین خط دفاعی را دارد. هر سه این تیم‌ها شانس قهرمانی دارند.

انتظار زیادی

بازی با استقلال در نقش جهان آخرین تیر برای سایهان بود و آنها دنبال پیروزی و امتیاز بودند. مجتبی جباری با اینکه جام حذفی را دارد ولی ترکیب اصلی را در زمین گذاشت. استقلال در آزادی با خیبر مساوی کرده بود و نمی‌شد انتظار زیادی از تیم داشت. این فصل خود پرسپولیس هم در همه بازی‌ها به سایهان باخت و نباید نتیجه‌گرفتنش را گردن تیم دیگری بیندازد.

یان‌کوین و آغاز رودری

پپ به سهمیه لیگ قهرمانان اروپا خیلی نزدیک شد

پیروزی ۳بر یک منچسترسیتی بر بورنموث سنگتوکش نه تنها سیتی را به سهمیه لیگ قهرمانان خیلی نزدیک کرد، بلکه احیای یک ستاره و پایان یک ستاره دیگر بود. دقیقه ۹ این مسابقه وقتی تایلوی تعویض بالا رفت، کوسن دی‌بروینه در آخرین بازی خانگی منچسترسیتی و در میان تشویق شدید تماشاگران از زمین بیرون رفت و جای خود را به رودری داد. هافبک اسپانیایی ۸ماه بود رنگ زمین چمن را ندیده بود. برنده توپ طلای فرانس فوتبال آخرین‌بار ۲۲ سپتامبر سال گذشته برای تیمش به میدان رفته بود.

سیتی یکشنبه در زمین فولام بازی دارد که فقط باید تلاش کند نبارد. در این صورت سهمیه لیگ قهرمانان می‌گیرد. با توجه به تفاضل گل خوبی که دارد، حتی درصورت کسب مساوی هم اروپایی می‌شود. استون‌ویلا باید در خانه منچستریونایتد پیروز شود که کار سختی نیست و چلسی در برابر تیم ست‌جان ناتینگهام فارست و پدیده این فصل لیگ برتر، خود ناتینگهام هم مدعی سهمیه است.

دی‌بروینه در این بازی ۳مودعیت گل دیگر برای منچسترسیتی خلق کرد و مجموع موقعیت‌های گلزنی خود را در لیگ برتر به عدد ۴۶رساند. هیچ بازیکنی از سال ۲۰۰۳ آغاز تیمت آمار بیش از او و سک فابرگاس موفقیت خلق نکرده است. دی‌بروینه در بازی هفته آخر مقابل فولام فرصت دارد از این رکورد فابرگاس عبور کند.

درباره رودری هم گفته می‌شود فلورنتینو پرس در راستای بومی‌سازی تیم رئال‌مادرید می‌خواهد او را بخرد. پس از خرید هویسن (یا تلفظ صحیح هاوسن) از بورنموث و همچنین مذاکره با نیکو ویلیامز برای پرداخت بند فسخ ۵۸میلیون یورویی قرارداد این بازیکن ملی‌پوش اتلتیک بیلباو، رودری هم یکی از گزینه‌های اسپانیایی است. برای پست دفاع چپ هم قطعا یک مدافع اسپانیایی جذب می‌شود؛ گریمالدو از لورکوزن و آلوارو کاراس از بنفیکا یا حتی تونراندلس از آث میلان.

سهمیه لیگ قهرمانان اروپا: رقابت سه‌جانبه

04

آتالانتا با ۷۸امتیاز جایگاه سوم را تثبیت کرده و سهمیه لیگ قهرمانان را کسب کرده است.

یوونتوس با ۷۵امتیاز در رتبه چهارم قرار دارد و درصورت پیروزی مقابل ونتزیا، سهمیه لیگ قهرمانان را تضمین می‌کند.

رم با ۷۴امتیاز در رتبه پنجم قرار دارد و برای کسب سهمیه نیاز به لغزش یوونتوس دارد.

لاتزیو با ۷۲امتیاز در رتبه ششم قرار دارد و شانس کمتری برای کسب سهمیه دارد.

ایتالیا در لیگ قهرمانان ۴سهمیه دارد. تیم پنجم به همراه بولونیا که به مرحله گروهی لیگ قهرمانان می‌رود. تیم ششم در لیگ کنفرانس حاضر خواهد بود.

رقابت قهرمانی: ناپولی یا اینتر؟

قهرمانی ناپولی:
ناپولی با ۱۸۵امتیاز در صدر جدول قرار دارد و در هفته پایانی میزبان کالیاری است. درصورت پیروزی، ناپولی برای چهارمین‌بار قهرمان سری آ خواهد شد.

ستاریوی پلی‌آف:
اگر ناپولی ببازد و اینتر مساوی کند، هر دو تیم با ۱۸۵امتیاز مساوی خواهند شد. با توجه به قوانین جدید، درصورت تساوی امتیازات در صدر جدول، یک بازی پلی‌آف بین تیمی قهرمان برگزار خواهد شد.

قهرمانی اینتر:
اینتر با ۱۸۴امتیاز در رتبه دوم قرار دارد و به مصاف کومو می‌رود. درصورتی که ناپولی امتیاز از دست بدهد و اینتر پیروز شود، اینتر قهرمان خواهد شد.

عملیات سری

سری آ شاید در هفته پایانی هم قهرمان خود را نشناسد

به هفته پایانی سری آ رسیدیم؛ تنها رقابتی که هنوز تکلیف قهرمان و تیم‌های سقوط کننده و حتی سهمیه‌ها مشخص نیست. ناپولی یک امتیاز از اینتر میلان بیشتر دارد و حریفی ساده‌تر. پارتنوپی با کالیاری بازی می‌کند؛ حریفی که در بازی رفت در زمین خودش به ناپلی‌ها ۲بر صفر باخته. اینتر در زمین تیم بدبده این فصل یعنی کومو بازی دارد. یاران فابرگاس ۸مسابقه است که نباخته‌اند و گرید پیاپی تا هفته پیش داشتند. همه چیز برای قهرمانی چهارم ناپولی آماده است. کومنه این فصل را سخت‌ترین سال دوران مربیگری‌اش دانسته و ممکن است حتی درصورت قهرمانی از ناپولی جدا شود. الگری بخت اول جانشینی این مربی ایتالیایی است. درباره سیمونه اینتزاگی هم گفته می‌شود پیشنهادی نجومی از الهلال عربستان دارد اما حدودش می‌خواهد بماند و به افتخارآفرینی ادامه دهد.

همانطور که گفته شد، تردیدهایی در مورد اینکه چه تیمی عنوان قهرمانی را کسب خواهد کرد و همچنین چه تیمی در جمع ۴ تیم برتر قرار خواهد گرفت، وجود دارد. در حالی که ناپولی و اینتر پیش از این جایگاه خود در لیگ قهرمانان اروپا را قطعی کرده‌اند و تا پایان تلخ اسکودتو در رقابت سختی هستند و آتالانتا جایگاه سوم را از آن خود کرده. ۳باشگاه هنوز امیدوارند که جایگاهی در جمع ۴تیم برتر کسب کنند. بنابراین چیزهای زیادی برای تلاش وجود دارد.

اگر ناپولی و اینتر در پایان ۳۸بازی، فصل خود را با مجموع امتیازات یکسان به پایان برسانند، فینال پلی‌آف دوشنبه آینده قهرمان سری آ ۲۰۲۴-۲۵ را مشخص خواهد کرد. ناپولی باید ببازد و اینتر مساوی کند تا این اتفاق رخ دهد. در هیچ صورت دیگری احتمال پلی‌آف قهرمانی وجود ندارد. اگر این اتفاق تاریخی بیفتد، فینال سری آ باید در همان هفته‌ای برگزار شود که اینتر در فینال لیگ قهرمانان ۲۵-۲۰۲۴ در مونیخ در ۱۷ مه به مصاف پاری‌سن‌ژرمن خواهد رفت. چرا اینتر و ناپولی جمعه بازی خواهند کرد؟! این دو تیم نمی‌توانند پس از پایان ماه مه بازی کنند، چون قبل از شروع جام باشگاه‌های جهان در ۱۴ ژوئن، وقفه بازی‌های ملی وجود دارد، جایی که اینتر یکی از ۱۲ باشگاه اروپایی شرکت‌کننده در فرمت جدید خواهد بود.

این قانون ویژه که برای رقابت سقوط نیز معتبر است. پس از فصل ۲۲-۲۰۲۱ وضع شد، زمانی که میلان و اینتر تا آخرین روز فصل با هم رقابت کردند و روسونری در نهایت با اختلاف ۲گل مقابل رقیب همشهری خود پیروز شد. مسابقه پلی‌آف ۹۰دقیقه طول خواهد کشید و اگر در پایان نتیجه مساوی شود، مستقیم به ضربات پنالتی می‌رود. درصورت برگزاری مسابقه بین اینتر و ناپولی، ورزشگاه خانگی طبق قوانین تعیین خواهد شد که تصریح می‌کند بازی در ورزشگاه خانگی تیمی که سابقه بهتری در مسابقات رو در رو دارد، برگزار می‌شود. اینتر و ناپولی در امان قابل کامل متعادل هستند، زیرا هر دو مسابقه با نتیجه مساوی یک-یک به پایان رسیده است. درصورت تساوی در نتایج رو در رو، معیارهای دیگر محل برگزاری مسابقه را تعیین می‌کنند؛ تفاضل گل در بازی‌های رو در رو، تفاضل گل در کل مسابقات قهرمانی، گل‌های زده شده در کل مسابقات قهرمانی و برتاب سکه. با این حال، به‌دلیل مسائل مربوط به نظم عمومی، احتمالا هواداران ناپولی نمی‌توانند به میلان سفر کنند و ممکن است تصمیم بگیرند فینال را در رم و برگزار کنند.

هم اینتزاگی هم کومنه برای این بازی محروم هستند و باید تیم‌شان را از روی سکوها هدایت کنند. در هفته مقابل پایانی ۵ سرمربی اخراج شدند. غیراز کومنه و اینتزاگی، مرسیو کونیسیالو از میلان و همچنین مارکو پاروینی از لاتزیو و کرسنتین چیوو از پارما کارت قرمز گرفتند. هر چهار سرمربی بازی ناپولی - پارما و اینتر - لاتزیو کارت قرمز گرفته بودند.

منطقه سقوط: ۵تیم در خطر

- سقوط تیم مونتزا قطعی شده اما تیم‌های زیر در خطر سقوط به سری‌ب قرار دارند؛ ورونا، پارما، لچه، امپولی و ونتزیا.
- ۲ تیم از این ۵تیم در پایان هفته سقوط خواهند کرد. درصورت تساوی امتیازات در رتبه‌های ۱۷ و ۱۸، یک پلی‌آف ۲باریه برای تعیین تیم سقوط‌کننده برگزار خواهد شد.
- اگر ورونا، پارما، لچه و امپولی همگی با ۳۴امتیاز به کار خود پایان دهند، لچه (۱۲امتیاز در جدول رده‌بندی) و امپولی (۱۱امتیاز) در امان خواهند بود و ورونا (۵) و پارما (۳) به پلی‌آف می‌روند.
- اگر ورونا، لچه و امپولی همگی در امتیاز ۳۴ برابر باشند، لچه در امان خواهد بود و امپولی و ورونا وارد پلی‌آف می‌شوند.
- همچنین این احتمال وجود دارد که امپولی، لچه و ونتزیا همگی با ۳۲امتیاز در یک سطح قرار بگیرند.
- در این صورت، امپولی براساس تفاضل گل خود در جدول رده‌بندی سقوط خواهد کرد و لچه و ونتزیا به پلی‌آف راه پیدا خواهند کرد.
- در نهایت، کلید ماجرا بازی امپولی مقابل ورونا خواهد بود، چرا که یک پیروزی در توسکانی همه چیز را متحول خواهد کرد.
- ونتزیا به پیروزی مقابل یوونتوس نیاز دارد و حتی در آن صورت هم می‌تواند امیدوار باشد که سایر نتایج مطابق میلش پیش بروند.
- **ورونا ۳۴امتیاز:** اگر حداقل یک امتیاز مقابل امپولی بگیرد، در امان خواهد بود. با باخت، حذف قطعی است، مگر اینکه هر دو تیم امپولی و لچه پیروز شوند، یا یکی از ۳ تیم امپولی و لچه پیروز شود و پارما هم مساوی کند.
- **پارما ۳۳امتیاز:** با پیروزی مقابل آتالانتا، امنیت خود را تضمین می‌کند. اگر لچه و امپولی پیروز نشوند، با یک تساوی ایمن خواهند بود. اگر حداقل ۲تیم از بین لچه، امپولی و ونتزیا نتوانند پیروز شوند، با شکست مواجه خواهند شد.
- **لچه ۳۳امتیاز:** اگر لاتزیو را شکست دهد و امپولی برنده نشود، در امان خواهد بود. اگر نتیجه بهتری نسبت به امپولی بگیرد و ونتزیا نتواند پیروز شود، اینتر خواهد بود.
- **امپولی ۳۱امتیاز:** اگر ورونا را شکست دهد و لچه و ونتزیا نتوانند پیروز شوند، در امان خواهد بود. اگر نتیجه بهتری نسبت به لچه بگیرند، مشکلی ندارند.
- **ونتزیا ۹امتیاز:** اگر یووه را ببرد و لچه و امپولی هم ببازد، مشکلی پیش نخواهد آمد.
- مونتزا ۱۸امتیاز از قبل سقوط کرده.

برنامه بازی‌های هفته پایانی

جمعه:
کومو ..... اینتر
ناپولی ..... کالیاری

شنبه:
بولونیا ..... جنوا
آث میلان ..... مونتزا

یکشنبه:
آتالانتا ..... پارما
امپولی ..... ورونا
لاتزیو ..... لچه
تورینو ..... اُسِرمِ
اودینزه ..... فیورنتینا
ونتزیا ..... یوونتوس